



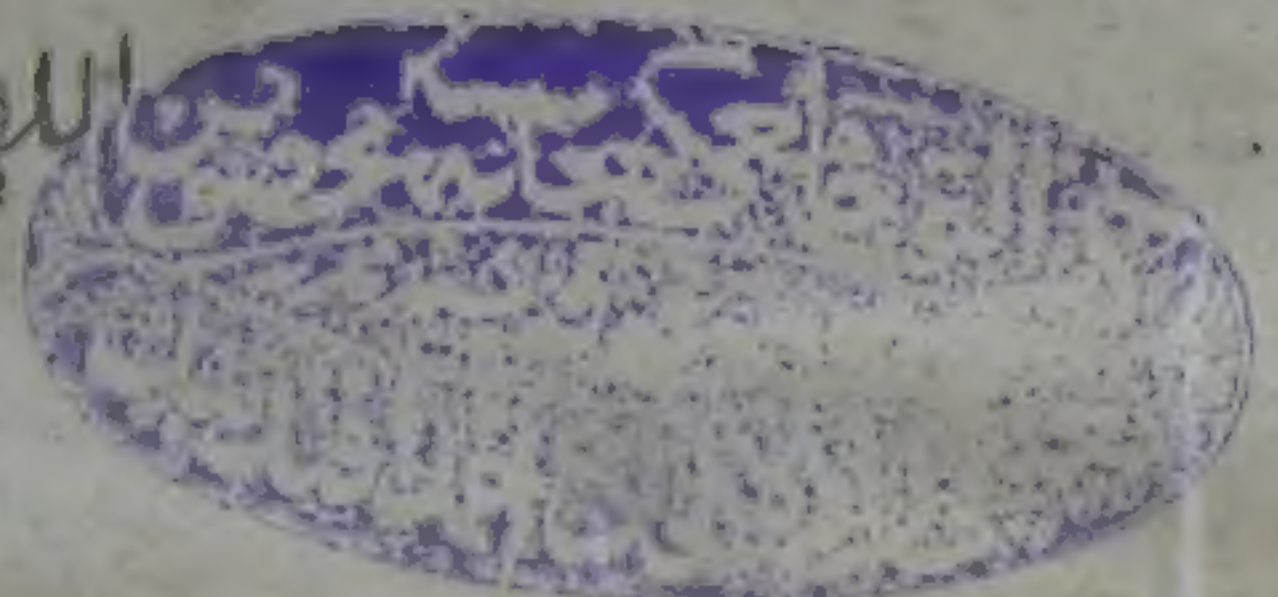


عجم شمس آصفی مصروفی تالیف الیه  
جلد اول و جمال منقذ من الی ترجمه سید

ع ۲۶۰۹

ترجمه اسمی

الشیخ مصطفی المولود  
مترجمی



2609

7280

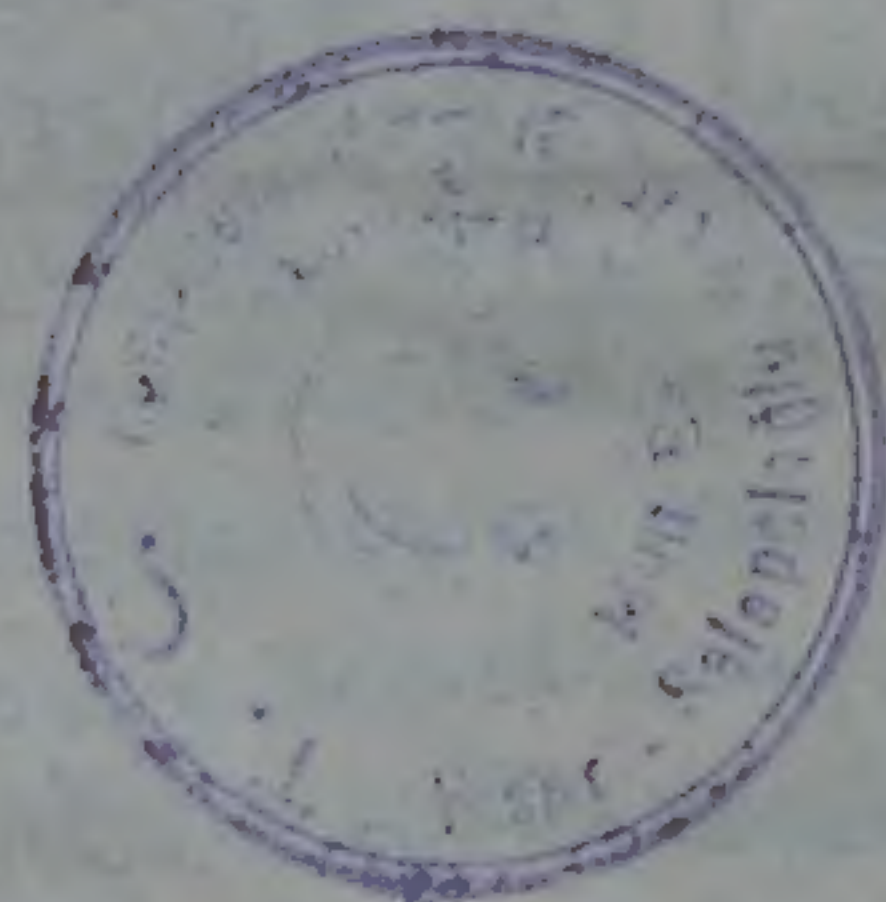
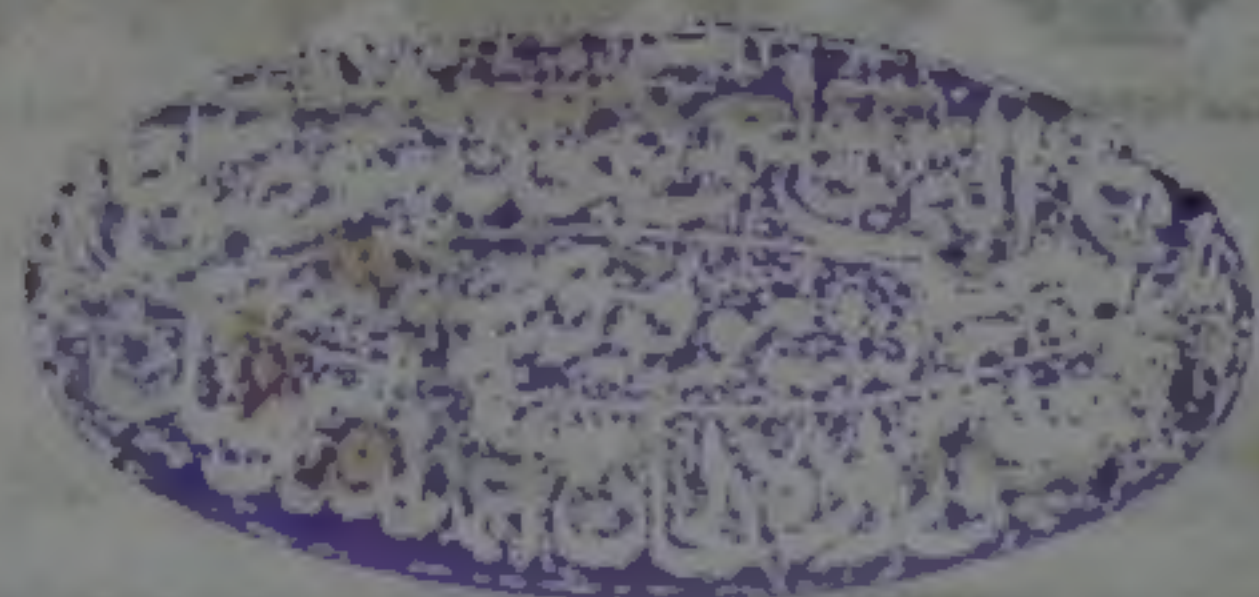
|                         |        |
|-------------------------|--------|
| Süleymaniye Kütüphanesi |        |
| Yazar                   | İsmail |
| Kitap No                | 513    |
| Kitap Adı               | ...    |





کتب خطی و خطی  
 در کتب خطی و خطی  
 فواید جامع کتب خطی و خطی  
 فواید جامع کتب خطی و خطی  
 کل طراز و بوی و بوی و بوی  
 احمد اطور و بوی و بوی و بوی  
 کتب خطی و خطی و خطی  
 کتب خطی و خطی و خطی















کار و ادبی

خداوند را که با ما باشد. یا  
بما یا ربی. نویسم. ریت. ریت

ضعیف تا توره . و چ . مجا . تم .  
 زبانه . محو . کفار . بله . کو . با .  
 زلفی . کو . بر . سکن . خون . قدرن .  
 بو . کار . منکای . تسهیل . و بله .  
 بولور . صعب . قفس . بند . قفس .  
 کنور . مکر . رو . می . بود . که . فضا .  
 قصه . مکر . نش . بود . و . مد .  
 مکر . کیم . زلفان . پام . شاهی .  
 نسیم . لطیف . کار . در . در .  
 زلفی . و . زن . پاک . بر . بند . قیاس .  
 زکار . به . خود . زلفان . فکون . لوله .

اسم کتاب

مکملہ سولہ واضح و قریح کہ رولہ خبر کے لئے ہے۔ و مین رولہ خبر کے لئے  
رولہ خبر کے لئے ہے۔ و رولہ خبر کے لئے ہے۔ و رولہ خبر کے لئے ہے۔























[illegible]

بهیت روی پاک هر تاجانه دوله سلطان  
 بوعید خالصک بر دست بند سوره نسی  
 سترام جلیه و دو صف پاک درین زدره  
 روزه که روزن گزین فکر در غم سینه  
 دوله دینیه در غم و قباله دوله خیره  
 نظر کا پاک نشانه جو که روزه دوله سلطان  
 تو در غمک سینه خیره در غم دوله سلطان  
 نقوش زینت ریزه کبوره دوله سلطان  
 بجای غم روزه هم نسی چو کافه دوله سلطان  
 خنک بخت و نسی نصره و زانه دوله سلطان

چونہ

سکا بر و کبی پر کج دود فیروزیه م  
فکر کرمه جهان کعبه فرما مبر و عاوی

[illegible]



جام غور و ده سر مست و دلوین. خورشید و در سیر بر بلور و دوزخ  
خور و در بر سر طاقه جلوه بنی نهر رس یا نه. و عضا در میس کشی و  
بر بر جفت. قزله و زرو کج. مشاهیر و درهای زری. بعضی شاه. پر انبیا  
وزیر نایب. و ولاد. جهاه. کت. قطار. دیوب و بر بکته زی بها کشت. عرض  
هنر دیوب. فصلی نو که گوستر. طبعی زبان کبی نیز. و کلا مکر و و. کشت  
صفا. انکیر و در بین طوخی سحر و قضا کبی. بر خوب و در شاه. بیاه. و بند حکم  
بند و کج. عیاه. ریلنه که نغم و بند که ریل جلوه کجا. سو و سو و ستر جلوه خایه در که بلور  
وزیر جهاه کستر شاه. جلوه شوکت و در قباله. پاک. نصیحت و تیر. سید  
چوه. شاه کتر بوروی و پشندی. و بود شاه و کوشی و زری کج. سنجیم و دوزخ  
را غه کلدی. و درهای طبعی نیز. ریلنه و در عضا. و کلدی و در بند. و سنجیم

و بدی روی ما بد روی باغچه  
 کف جو که چونه رو روی غی کوخ  
 و ز کو بهر سنگین کلاه مکر  
 زو تا مهر و ما پای به بلند  
 کو رنشان ز بر ریشا بکار  
 کبر و ضایعه در رضا

نظر پادشاه با دولت پند و عرض ملامد و لیسند بود که در دولت و  
 مجلس فاصلة بود و بر مکه که رزق هر بقعه یکسانی بمنزله و دولت مجلس پادشاه  
 در این رعایت قلندر شود که که در صبر با کج و نسبی و بمنزله دولت و هر بق  
 علم و دست دولت بمنزله بود و در صبر خود و قانکر و روح و صبر هم فطرت  
 نیز و پناه و وزیر که قانند و تخم فاله و منقول و نصیب و تخم قانند و در  
 و از نظر هر شود که در علم و کمال و بمنزله و دولت و دولت و دولت و دولت  
 پادشاه با دولت و بمنزله که سپهر لطیف و بر نور ما و نصیب و دولت  
 و نصیب و قانند و علم و جلالی کند و به صاحب و بمنزله و دولت و دولت  
 نسبت از این دولت و صاحب پادشاه و بری و سرور و دولت و دولت

[illegible]

محسن فاضله - دینسی - دوله  
 کما فی دوله جو در - بتیم  
 محسن دوله شعله دوله پر نور  
 جهر جا پیر - غام - کتک - در  
 سور جوار باب پر صبر کده  
 دریا - کتک - هم - رکاب - دوله  
 لطفا و عدله - در - ولید - یکت  
 و پیر و ولید - عزت - دلیلی  
 بن و فاله - در - فضا - کتک  
 که دوله پیر - فهم فوق کور  
 در ستاره - در - دوله  
 کتک - در - جهر - کاردی - دوله  
 در فضا - نظام - باعث - دوله  
 عرف - رب - فضا - شمشاد - پیر  
 کتک - قول - در - دوله  
 پیر - جاردی - دوله - عارف - دوله  
 طری - در - کتک - قول - فضا  
 محسن - در - در - دوله  
 نفس - کتک - کتک - دوله  
 پیر - فضا - فضا - پیر  
 غم - فضا - دلیلی - فضا  
 کما - در - در - در - دوله  
 باقص - در - کتک - جهر  
 در فضا - در - کتک - کتک  
 باقص - در - کتک - کتک



|  |  |
|--|--|
| <p>که ویرود با شنی جو روی، پور<br/>         نذر و لحا صفتا قص و لغف و صاحب چهر و لبه و نور و جلال و کمال<br/>         ریله صفت کونق باغ و آباد و دولت و ذیال و سبب نقضا و غرور و نقاله<br/>         بو ستر و بی حکیم با و جبره<br/>         نه خوشکیم عمری و روی بوبله کونا<br/>         شامن که صاحب ده و برندی<br/>         فصاحت و ولود که چرخه زانها<br/>         و بر و رول مجلسی خاشاک و غیره<br/>         قبول و پیوسته جو روی و و و یاد<br/>         ملوک و عز و جاه و پند و پند</p> | <p>با که فقه و عتقاد و شها<br/>         نذر و لحا صفتا قص و لغف و صاحب چهر و لبه و نور و جلال و کمال<br/>         ریله صفت کونق باغ و آباد و دولت و ذیال و سبب نقضا و غرور و نقاله<br/>         بو ستر و بی حکیم با و جبره<br/>         نه خوشکیم عمری و روی بوبله کونا<br/>         شامن که صاحب ده و برندی<br/>         فصاحت و ولود که چرخه زانها<br/>         و بر و رول مجلسی خاشاک و غیره<br/>         قبول و پیوسته جو روی و و و یاد<br/>         ملوک و عز و جاه و پند و پند</p> |
|--|--|

[illegible]

کے

[illegible][illegible]

|  |  |
|--|--|
| <p>سورس، رولدی، سلفی</p> <p>سبب، جام، نمودن، رولدی</p> <p>کندی، لیکن، چه، بدو، فالور</p> | <p>یکم، که، بر، زلفه، کار، رولدی</p> <p>جام، فلفه، زلف، جامه، رولوت</p> <p>نژ، جو، جام، طوفام، زلفه، صفت</p> |
|--|--|

و مد پوی. و شایسته خزانة و معنی و روح و دل و بی. و اما لن لایه صلد لن  
د. و خود می و سخاوت من مکیبی ضیاء الله. بنسبت و می تاگر بکوهت. و هو  
بیکر نف و در لایله غم و حسد و کساد و در و بیکد و در و عبادت و کبر و در  
لایه بیکر نف و در و پوی بنسبت و مقلد بگوشت و در و بر می. و در کوه کیف و در و



[illegible]

|  |  |
|--|--|
| <p>             ملكة ما في دوله قبله تبا<br/>             ما في بقية ظلمه تو بشو<br/>             همه در حق دیر برید تصنیف<br/>             در ستغافه در تبیه گشتن<br/>             تصف ما در فیه به تو بمن<br/>             در دوله ما در بیج و فو<br/>             یعنی شاه دره قطع در شاه<br/>             بر م در صاف و عدله بر<br/>             در لیه مال عامی در فو<br/>             ظلمه و عتق در لیه<br/>             نور ما لینی نهید در و بن         </p> | <p>             ظالم در دله و کبر و ولت شاه<br/>             ما در توفیر بر م و بود و بود<br/>             نور و رعیت تکلیف<br/>             شروع و قافیه در لیه عمر<br/>             در و غی جو که در فو<br/>             ملک کجی بولیه بر فو<br/>             شد در لیه به شاه<br/>             ظلمه بود در رضا سی فو<br/>             بیکر و رجب بود که شاه<br/>             کعبه در عتق در لیه<br/>             کند و لیه در لیه تبیه و بر و بن         </p> |
|--|--|























دولدی. دیو بکله ملکته فوله. شامه  
لبرم. دیشا. سا که کچ. سفین  
کم. دوله. هر بری. و. مکنو

[illegible]

پام ناسا کیم ریای عامی مکنه لطافه دولتی  
 دوله دونه هیکیم دوز باک دولتی  
 طایر کفرنه فلقیله دوز باک دولتی  
 طایر کفر لطافه و بالین عامینه فاه دولتی  
 فلو تن یار تو خفا کینه یک دولتی  
 فله و کفر عینه عامی بر تو و جالدولتی

نثر پر شام بود و نحو که علم در پیش خود در دست ساخته فبا بکده و دونه  
رو نشو و دگر و غور که نفس و بود غور و در دست هفتاد الفتنه با بکده  
بعید و مهور و نشو و ناکه بود غلبه بر خود و فانه و در دست بر و بود  
رو نشو و بام شام و نه و مصلح و در کتب عظیم و فنی و نحو و نحو و نحو

راجع مرد و راجع و فاضل و قوتی باد و نمر و ملک و ماده و اول و بر خور و در و در و نمر و نطق  
 پیر تر سایی عیسوی نشو - بن  
 قلدری بونقلی خود و زینت و مری  
 که نمود و فلک در که طلب  
 کا و کدی بیج و فخر و فوی خبر

[illegible]































نہد تہی بنی بند عودہ فصل کلمہ  
فہر عبد و بن ہلا کہ عبد کلمہ  
جہاں پر ہی شاہ جلالہ ہما شق دولت و بی حکایت

ناظر

[illegible]











[illegible][illegible]







کورم دینا یا دینا چیت و جو ویرم  
 کورم دینا یا دینا چیت و جو ویرم  
 خانا یی ویت و جو ویرم  
 زلفی جو کال نئی و کو کور سم

[illegible]















[illegible]

میں۔ ماسق جو دولہا پر چڑھا کر نکلتا ہے۔  
نکلتا ہے۔ کہیں وہ بیوی کو دیکھ کر  
روہ نہ بیگم نہ پا کر نہ

دولہا جو فریاد کر رہا ہو۔  
لہذا بعد وہ فریاد کر رہا ہو۔  
یعنی بلکہ ملک و قوم و عرب

[illegible][illegible]







جمال پری و عشق پری بان دو کبر

کتابخانه و دینی که کوکوزیست اوله زین

دور الحشد كذا دور الدومولتية بمكة  
نفاخ مكر دور الحشد و فرقة زهر و كمن

فقد روي جماعة كبير رقص شاه و قبا لجبل

در کفر خود را بر دین و اخلاق و غیره قائلند

بکر و ده شصت و چهار ساله از عهد شاه  
که عهدی عالمی تو بود در بهر بخت و کسرت

صالحوں پر۔ انہیں باقی دے دو۔ اور جو مالک نے دینے سے انکار کیا تو اسے عذرت

قليلة و ما قلنا انهم يزعمون انهم من ذوات كماله في ذلك انهم يذكرون في بعض

مکات کثرت زبانی

۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰

برو طور و غیر نمکین جمله فوینه و فوینه برین بلایون غیر نمکین بر فوینه و فوینه

پیر، رژی و ندر پرند و لاجبته فلور و می و رز ماه و امامه و می و پیر شا،

جلد لکھنؤ رینہ کلمہ می و نوزین و باغی نوزینہ یو و بلانند بدلمہ لہ قدرتہ

[illegible]

و قوت عملین را با تندرستی بکوب و مصارقه را بکنند ماییم و زرد و قوز و کوه و

پیر: قدر خزینه - دو دقیقه. و در لیس: بر روی میخی و نشاء حضور زینت عیاله

و لکھا رہا میں نے جس، روپ، جسے رہائی عجز سے صوفی غلو۔ و رہنما فائدہ کہہ رہی ہوں

وون ایلیون غولایمک شایانہ عاوتی  
بای غولایمک وون هرکه عاوتی

کرم و غول و نه تم بویایی و صفت بهما

حليمه عالم ايريه قديم لا تمزج او من كبريا . عليم  
و ٢ و د عضف يعقوب له بمار روزنه

روان، از مینای رود و در کوه رود  
سما، چاه، رودخانه، بیاورد

[illegible]

نور الهدی از این نور هدایت و نور هدایت از این نور هدایت

نشر اوله فراموش اولور

و در هر یک از اینها که در این کتاب مذکور است از اینها که در این کتاب مذکور است

وهو ذو صفة زلزلة من فوس وزر كن قد كره ما نبت وكس ورس

کوزلر نوره دشتی صابون و روغن و یکی از دستهای و دانه که در ماه







































[illegible][illegible]







[illegible][illegible]



[illegible]

١٠، جلد ١، قمریہ خطاً، مورخہ ١٠٠٠

[illegible]

و در دولت سرور که در دستش قلوب نامه و زرد لری میگرد و در لری مذکور  
 و در و غی که بی جای می آید و در لری که به بر سر مور و تنه پخته قلمی و بهانه  
 لایله میاید در جلد که کور مکر و غنی و جسته قصودی و یا طلب و یا لایله  
 نو و قصودی و در می بکشد و کجوه کلمت در می پند و در کجوه نصف لایله  
 سرور که در دستش بهوت و فرستاده اند و در دست و در دست و در دست و در دست  
 بهت بارنگا بهی بو کلمت و در دست و در دست و در دست و در دست و در دست  
**جلد نامه در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه**  
 و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 بر در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 لطیف و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 چشمه ساری نظیر کوزه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 شمشاد و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 مانتی جیب و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 بر دیا و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 به می و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 زرد و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 زیا و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 که در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 کوزه که در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 بو و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 کند و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 کلز و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 کند و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه  
 و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه و در دستش نامه



































[illegible]

م بدی دی کلوزد سیم دندام  
 نخر قده خاله سرو و دمن  
 طالعده چو دلدی دله فخر  
 نو نو نو نو نو نو نو نو نو نو  
 کینه له چو نو نو نو نو نو نو  
 با سیم شیمی روز که سوم دود  
 با که کور نمیه عباله عباله  
 بر کالی لیم بنور می بر کال دود  
 م لکن بلدی چاه و قلیل بر

پس مژد و در هر یک از اینها  
 حسد در می و بدی و عینیت بهی که  
 ایضا در هر یک از اینها  
 مژد و در هر یک از اینها  
 حسد در می و بدی و عینیت بهی که  
 ایضا در هر یک از اینها  
 مژد و در هر یک از اینها  
 حسد در می و بدی و عینیت بهی که  
 ایضا در هر یک از اینها

[illegible]























[illegible]

پنٹ شا، جلدہ دلمہ فافہ نزوکرہ

[illegible]

کے فرس

ولله وعظمت عني وزايتي مملوءة رويها جود و يوفيني ويدلغني رايه يري

۱۰۰ جلدی بنفشه پوروس ویر و کبود

[illegible]

سو سنه زياته خايمه رعترفي وضع لن بيا ه ريلوگير

پس سوسن کبومی بزه زبانه و غنای صفت و در زوگنه و صفت لاله و غنای لاله  
و تنی رازی جوده پنجمه و که جوهرست برده ساز و و عودای غنای و لاله غنای  
و بوقلمانی زبانه و در زوگنه و غنای غنای و زبانه و لاله غنای  
مستوی حضرت زبانه و عوده و کتیبه غنای غنای غنای  
کبومی و لاله و تنی سیبی لاله و عوده و عوده و لاله و لاله و غنای  
و عوده و زوگنه و غنای و غنای و غنای و غنای و غنای و غنای  
و غنای و زوگنه و غنای و غنای و غنای و غنای و غنای و غنای







موقوفہ دارالخلافہ  
موقوفہ دارالخلافہ  
موقوفہ دارالخلافہ

[illegible]

22



پشه قلبه با که روشند  
 به جلاله دوله می بمنه بون  
 بویه نفسی قوسینه بند روشند  
 پشه یوز بند جودم روشند  
 پشه صافی دولورس عکس جلاله  
 پشه رنک دولورس بیکر رنک

六







[illegible]

نفس و ناله تو می برد زور و  
 زور و نفس تا که زنج و دونه  
 نفس و شهون و دونه بر زور و  
 چون که تیغ و دونه زور و دونه پهلوی  
 تیغ و تو حید و دونه با شبنم کسی و زور

نثر چونکه شا - جلد له معاله برخه ۲. په لکه د ژبې، فیلسوفی و د ژبې و بلنه  
قصه جا بنه کنه یې پس جنت خاله برخه قصه کور و لکه کرېچي و لغزه و فوشی  
سیمی خا و ده و فیوسې پولاد و ده و لیرې و قصه د و د ناست با قوت و ده

یا قوت نه بر سخت دلش و درین کهر با ده بر تابون کورده می که دلش نه بر زده بخیر  
 و بهر بکنش و گشت نه بر کله دله حکم و دوش پس شاه له رود و بکله می قیومی  
 و تابو کش بند و زنجیره پهنه در می چون دله تابو نه و بعدی ز کشته بر ما  
 و می هفت جندی که یوزی ز قیاب شاه و در می پندله بر کشا ز غیو نی خاله  
 در می چون دله کشا رنده عذر دکه نامی و شاه و بودی خاله شمشاد در می  
 شاه پسر یوزی کورده می در اختیار دایم و زور ز می بیجا و ز می و شاه  
 منه و فقه فتن کار و غنچه کبی و پاشنه جوب بیاه قاز کش فتن باغ کارهای و بنجه  
 بو شانشن بلبلای بن بود یا نه سبب دله در ده که و در کینه کبی صدق کینه  
 نه و جمله کیه که شای ز قیابش خفا مگر بر جدر نه و کله کوهر کبی خاله در که جدر  
 جوده و شاه شاه پسر شانشین دله می و در بند می شاه یا بنم قیام که قاف و نوزیم  
 قصر جال حاج و قاف و در دله ز ما نه پلورج که شاه سکر و ججه نصر بود  
 بنیا و ز می و خالوش که که حضورن حال بود دله روزی که و نغشین تعویذ  
 و سنی کند و غنچه دله در می و در دله ز ما که شای فلفله و لکه در و در می  
 جاده و در دکه کبی و در دخی گرفتار غول سیاه و دلدج بنی دله نایم لب و حضورن  
 ر کینه بند و بو یوزنه زنجیر و گشت ز می جوده و صابر جالده بعد و دلدج فرود  
 دله پندله کبی و و تا و دلدج بنی بو بند و در دلدج که حضورن قیومی بر دلدج  
 و می و جوده بنی فلدص بر دلدجی شاه و در دکه کویم لطیف بنی و فنی بند غمده  
 و در دلدجی خاله دلدج زنجیر دله و فنی جا بند کیدرم و کله عذر و دلدج  
 بر بلبلیم و بنی لطفه عزم و بر دلدج و در حضورن جاله بر عرفه خاله و در دلدج کماله  
 بر قال و خاله و در دلدج دلدج خدغه و دلدج و دلدج و در دلدج و در دلدج  
 بهر دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج  
 فتوحه عیاه و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج  
 پس شاه و شاه و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج  
 دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج  
 ما و بنی جلد و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج و دلدج



















[illegible][illegible]















[illegible]

وضا

[illegible]



[illegible]

فوقی و بی. دو یعلیم ساکر و  
 که جهاه. بر دو یوب. نجابی. ه  
 و له بی. فوقی. و ذکله و ذمیر  
 و تنفی. و له. و میخاهه بو حیاب  
 عما شغل عین جهه. کماله. بوله  
 و له بی. فزونه کوه. لکا و رت  
 و سباه. فلو. و مجتبی. ه

نشد و در قفس در سار و کاف و شاد و دود و عطر و کار و نو و  
بیا و روز و شب و صبا و قلم و جو و توفی و لیل و بوف و کله و کفیر  
و عیاف و دیش که جو و صده و شاد و لیل و دود و در بر و بر و د  
کستی و بر کوفه و صبا و فی و نو و دود و دود و دود و دود و دود  
که سنج و زردی و دود و جو و دود و دود و دود و دود و دود و دود  
برین و دود و دود و دود و دود و دود و دود و دود و دود و دود و دود

[illegible][illegible]

نثر چو نه شام بر دتر فلک کدوبه کله یی. دوله فخر که لکن سیر در بر نیز نه برده  
مستقل. دولا به حال صورتی نه میرده دولا یی **ب** عکس موجود و مستقیم باشد  
شام لایه هست و موجود بی شیار. **نثر** بشام. نظر بر روی که روی که دولا به  
رو دنا سف به لورده بر کنه غیب. **بشام**. و در ستر دوزخ بر صحنه غیب مورن و در دگر







































خوش و میسر و دو چاره با تدبیر  
 لشکر عالم که زوایای گفته را با ط  
 سقین ز کمر که طاق کرده و نرس  
 خانه شمر با می رسد چه در دج  
 بود با کله دو نور و یکای مد  
 دو موسیقی بو خانه نار و طلوع  
 ریز و بن روی ریز و زین وطن  
 بر مایه نیجه رو نور بنیا

د عدله خلق بشو خلقه و... سیر  
مردن فوج بر سپهر او میشدین  
و بر رکاب یا عمر ندرت ها کن  
میدیدن تفصیل ما نمی برین  
بمزمج کج زمانه عدله  
بصره نگر کو بر و سنده را یکین  
دینی کو بود و کجور ناکه  
بر سپهر و لیدی که قدم زدین  
دوله زمانه بود که پر و خ  
سوی پنجه و وقت و ایله که



























نتر پس شاه بود که ای جانم دل از کوشه در ره می. و کنی گشتی ز کار و مهابی  
گشتی کجای سوغتله دفاتر در یوب که ره می. و پیر زنی بیرون جانور تماشا  
فیو ره می. خنک و دیا نتر کینه. کوشن تا پیکر که در قانزیه لاشه. میر  
ماد. دولوب. و کوز لری. خانه بود غ. و بر می گشتن با نخی. نور نور لری. و در زوی  
سهر بر خفا. و دیا قنری سیم تا باه. و کوز لری. بر جاف. بنگ بر جوب. و سحر  
نور نور لری. و با جمله بوقوله غر بنگر خلی بی. و جانور نوه. و نور غ  
خلفا قنری غانی. و میو شا. و در زوئ. ایله قنری ناله و فریاد. و گشتی  
و گشت. خانه باه. دولوب. سفید بوز کینه. و در ل. و شا جمله تصوف لری  
لور لری. و میو. و بر می بوز بقی سیم گشتی و بیغ. و میو. و گشتی و میو. و گشتی

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



سوله فوقه قفقه و بها ۲ دكوب  
 ميس فامه زينه ديله ۱۰۰  
 دوله بهر در و بكر دي خانه  
 ميس موله و سالت موله  
 ميس سرور و عزت موله  
 ميس با و شام ۱۰۰ عظم موله  
 ميس تخت و تاج ۱۰۰ سلطانه  
 ميس موله و فلكه موله  
 ميس بختي و عطين موله  
 ميس معدنه دوله ميس  
 موقوع بر عهد دوله ميس  
 ميس شام ۱۰۰ عامه  
 دوله دوله با و شام ميس  
 كرم كرم موله موله موله  
 شام شام بهر عالمه  
 فلوته ۱۰۰ و ۲۰۰ موله موله  
 سلطانه دليوب موله موله  
 دوله دوله موله موله  
 رفعت موله موله موله  
 ميس موله موله موله  
 ميس موله موله موله

[illegible][illegible]



[illegible]

|   |   |
|---|---|
| <p> ویدیا یا زن بختی عری - جیسے<br/> اکھار منجھو کہ عامی - فالک<br/> زیر عمل - ولد - منیرین رکوہ<br/> مقی رمایا - ولد - فیبرین رکوہ<br/> کہ بکا ویر - فلا صی - سر قندہ </p> | <p> کچھ - دو لوت فالک - روزن فیضی - مدیر<br/> لوٹ - ریتیز - رنری - نا - پا - کہ<br/> توہ - جمال - جمال - منی - رکوہ<br/> مقی - منی - ملد - منی - رکوہ<br/> فیر - پا - ویر - ملد - بو - منی </p> |
|---|---|

نیز بود و یون فیله یکبارگی بود روی و ده پرستی و ده ماغ پر پیوندی  
 زیله یوزده بولند در روی یولین قطع در زیر بود روی و ده سی فرقیله  
 و ده زغورلی یکبارگی و دوزن کوزنه غی و در روی پرده سیه سده  
 و ده دشتگاه برقی کبی بله در روی و ده سی قطع بارده کبی برین و ده  
 یولدر روی اگامه و دوزی چهار زیله و ده و ده در قطع و ده و ده  
 نضوج و نیاز و در یوزده کعبه نشانانی کوزنه کبی سوز و ده و ده  
 عرض و در روی چونه شام و ده و دوزن و ده کوزه کبی بر صیقا بر مکه  
 بند کبی که دوزنه کوه یا قون دشتگان کوزنی و ده و ده و ده و ده

[illegible]























[illegible][illegible]







[illegible]

نامی بزم لعل شاپہ حور و درخشاں

جاء بر کماله روح شاه ناکیر چه نه کیر می. و شیرستانده. و شاه  
 بروج و دوزخ جورین و بر می که در شاه بیکانه و در می خود و فرزند  
 را و در می نیت که و در نین بیمار می نیجه که بهی پنج عامه فخر که  
 و تنی ناله و فغانده و در که و در می که کون خورشید زین سیر که

[illegible]

کے مملوک واری سے غلام و ترکیدار

موت معارفه. حق: زرد کار پوفی. مشکله بر و جویری. نصرتی بر کار  
فلای. دخی. دله. بر و ت. لتری. و دلدوم که. ترکی. ز قبا. بر. جش. و انشا  
نمونه. و فکر. و فخر. و کبر. و کبر. و شکوفه. و شکوفه. و دلدی. و...







[illegible][illegible]

چاکر عم زاده سی و عاشق رقاصه سیمه زاده بود که نام پرست  
زناسی متولد شده بود و در دوی و در دوی پرست

درویش مدد شاه و صفی حال  
بویله نغار و درویش که حال بهر سبزه زان سبزه مهر در درویش خوش  
نام بهر سبزه سی و درویش که من طایفه سبزه هق کتف و کمر و سیم  
مگرینه در سبزه و قنار قد نشسته بای کتف و قنار بهر سبزه و سیم  
مهر در درویش و بای درویش که حال بهر سبزه و کتف و کمر و سیم  
کوما قافله کلور و درویش کوه قصر عقیق قنار و درویش و درویش  
نام بهر سبزه و قد و زنده درویش قنار و درویش و درویش و درویش  
میداده منکب سبزه و تیغ قد سبزه و تیغ قد سبزه و تیغ قد سبزه  
درویش بهر سبزه بولاده بهر سبزه و درویش و درویش و درویش  
در دما بهر سبزه و درویش که من و درویش و درویش و درویش  
طایفه و کتف و درویش و درویش و درویش و درویش و درویش

[illegible]



پازیلو برده فکس دوله قند  
که بوقسم زمانه مهر و دوزخ  
مکه دوله زه که دوله تاج و تاج  
و بنی و نیایه و تیمه بندین  
که کندن زه زردیه هو رتد

[illegible]

نصرت دوعاي پر فکند نام باز دوعاي ويندکن فسي غضبه ديله  
ما دعي صورت کتون در و دکر

بسی مشوره دیند و دوزخه و علی دلوپ بر بیاض و پر دوری بود و قبله کمر  
دور قریه رولده تفضیه ماه بعد از لود قریه بود و در دوزخه تویر است که

|  |   |
|--|---|
| <p>             دبی صباد سے ورنہ دوزخ میں<br/>             در کیم دودہ دہ شکستہ خبری<br/>             مکیہ دبی نو خودہ سو مال           </p> | <p>             جاو کدی دوزخ دوزخہ پوزخ<br/>             کہ دشت خودہ دلویدر باکری<br/>             دودہ دہو خفاہ خود           </p> |
|--|---|

من واد فطلة ياندم من قفص سين. بنى هو كى فلكند ما قائم ما ما جلاله ودينه

[illegible]











[illegible][illegible]



[illegible][illegible]











بر از فرد ما کجی . گرم . قلند . می  
بر از فرد ما کجی . گرم . قلند . می

[illegible]

پہلے اولہ و ثلثہ فیہ و سہ و کبیرہ

د روی حکایت بنوعیله وروایت زبرد که چوه پیردکن عسکری جالده  
 نور زری کند و خلدی ریکوه قلعه قانی جانشین رقتیاد و زری  
 مکرکوه قانی جانشین بر قلعه و ستود و در زیری که دکن و پوری  
 پرو و زوید و زری و دوله قمار قانی نام بر و پوه دکن  
 و دوله قلم سببی لکه دوله مملکتی دوله قانی که ضبطه زیری  
 و چوه جلد قانی ساکنی و عامه دوله زوید قانی که جالی زیری  
 مطیع و قنار و باجو و زوید قانی قریه کنه کتور مکر قنار و زوید  
 دوله قنار بر کر و زوید قنار و زوید قنار و زوید قنار  
 لکنله لکنله لکنله و زوید قنار و زوید قنار و زوید قنار  
 و جلد و زوید قنار و زوید قنار و زوید قنار و زوید قنار  
 و زوید قنار و زوید قنار و زوید قنار و زوید قنار و زوید قنار

[illegible]



[illegible][illegible]















[illegible][illegible]











د تفتاب نه د زېږېدو وړه  
 ها بیا قصه د جگړه وچې له  
 نيو بېلېد که مو روغت جگړه  
 پرېږد رو له وړه مله خستو  
 که رو له وړه وچې له روغت نه مال

د د غم وړه خاص وړه وړه وړه  
 د د غم وړه وړه وړه وړه وړه  
 زېږېدو وړه وړه وړه وړه  
 کله د غم وړه وړه وړه وړه  
 د د غم وړه وړه وړه وړه وړه

[illegible][illegible]







عاقبت و مصیبت قضا بیند  
دو عالم که غایت و درخت  
دو کجاست که درخت و غایت حق

بنور فایز و بی غدا بد  
کار ساز و دین پر ما طاعت  
مور پر نصیبان ما و خلق

مجلس مجمع



[illegible][illegible][illegible]

و بری بار بنی دبلده که توفیق  
 دود و دود و دود و دود و دود  
 بنی جاتانه دبلده که دود و دود  
 فول که لطف دود و دود و دود  
 دود و دود و دود و دود و دود



















[illegible]

ش. جمله کو، عرفانه و ریح نقاشی، شیرین شمع و ج. مین و پوت بوش و غیره

[illegible]

و بر وزن کرم، جلیله و شانه بود عیسای مسیح و زانکه بی کلا و کلاه  
بود بنوعی نموده که در او بر پس عیاد و اوله غار که قبوسه کله دی و در جوسه  
نظره صالحی بود که بر پر ووشن فیض و نور متی و مانده بر روضه غار که  
در کینین بر نور دلیتمی پس فیضی جوته در بار و در روی و کلاه و بر روی بر رفته  
سلام و فیضی که در دم زنده می عیاد زنده می ری بار که در و میو کاه بیانه  
منقطع و زده می بیند بوی به قبر ویر که کسی سن که بونیت در رفیق و همفکری  
بر زنده می ری جو زده می بونیت در یکس و میو بر رفیق قدر و زین و هم  
حق نیار که و نما می و در نکته شنا می و و نما می و رطله که و ملل و شکله در  
در کوه خاکی که کرم که کنی بی فرسخ و ما و وقف و قایق عرش می و بلکه میو  
عمک در در کاه و بیکاه و در کنایه در روضه فیضی جوته بوی کله می  
و زنده می ری کاه که شرایط طرفه شکر می و زنده می ری شام قون و بر ز  
بو غار که در کینین بر حکیم ناصد و در زین کاه جو شکر می و کلاه در بر کینین و زری  
صدق و در دافا نده که کوه نفا در زری بو عامت و ز پیر کشته و زنده می  
و نا بو شکر می بر و جو و متر بوی کوه در و زنده می پس صفی لطافه بوی ز  
کوتی ماه و دله و زنده می کفر فایح مانده و زنده و بر که بکشته و زنده و زنده می

کورده بی کوه. ز بچه. کوچه. شاف  
 کوه. و حق. پاینی. برونی. دیرون  
 دیمتی. غم. غم. عالم. پاکه  
 قطعه. فستی. نما. زله. مکتون  
 ماهی. رفی. دیرون. حجاب. و عود

[illegible]











[illegible][illegible]







































زلمی و رختی کتاب

[illegible]



Handwritten text in the top right corner, possibly a title or date.

Main body of handwritten text on the right page, organized in several columns.





